



## مقاله پژوهشی

### تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی بر سیاست تقابل و تعامل ایران با ایالات متحده آمریکا و چشم‌انداز آن

سید امیر حسین میراحمدی<sup>۱</sup>، سید امیر فرنام وزیری یزدی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۰۲

#### چکیده:

گفتمان انقلاب اسلامی از بلو پیروزی در سال ۱۳۵۷، ساختار و جهت‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را به‌گونه‌ای بنیادین متحول ساخت. این گفتمان با تکیه بر مؤلفه‌هایی چون استقلال‌طلبی، نفی سلطه، روحیه شهادت‌طلبی، مردم‌سالاری دینی و قدرت نظامی، چارچوبی ضد استکباری برای مواجهه با قدرت‌های زورگو - به‌ویژه ایالات متحده آمریکا - ترسیم کرده است. در عین حال، تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی زمینه‌هایی برای بروز تعامل مشروط و محدود در دل همین گفتمان فراهم آوردند؛ ظرفیت‌هایی که امکان بهره‌گیری تاکتیکی از مذاکره را بدون عدول از اصول گفتمانی فراهم می‌کنند. تجربه‌هایی مانند مذاکرات هسته‌ای و گفت‌وگوهای منطقه‌ای نشان می‌دهد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در چارچوب این گفتمان، از منظر «مقاومتی» تبعیت می‌کند؛ تعاملی که ابزاری برای حفظ اصول و هویت انقلابی کشور است. نه‌عبارت آن‌ها، این مقاله با بهره‌گیری از رهیافت سازه‌نگاری و روش تحلیل گفتمان در روابط بین‌الملل، به بررسی چگونگی تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی بر سیاست‌های تقابلی و تعامل جویانه ایران با آمریکا از آغاز انقلاب تاکنون می‌پردازد. نمونه‌های تاریخی تحلیل شده شامل توافق الجزایر، مذاکرات مک‌فارلین، دوره تنش‌زدایی دولت اصلاحات، مذاکرات هسته‌ای و گفت‌وگوهای غیرمستقیم اخیر است. یافته‌ها نشان می‌دهد که رفتار ایران بیش از ملاحظات مادی، تابع هویت‌ها و معانی گفتمانی بوده است و سیاست تعامل مقاومتی، رویکردی پایدار در مواجهه با آمریکا محسوب می‌شود. در نهایت، این پژوهش می‌تواند به فهم بهتر پویایی‌های هویتی و راهبردی روابط ایران و آمریکا کمک کرده و راهنمایی برای تحلیل آینده تعاملات و تقابل‌های بین دو کشور ارائه دهد.

**واژگان اصلی:** گفتمان انقلاب اسلامی، سیاست خارجی ایران و آمریکا، سیاست نفی سلطه،

استقلال‌طلبی، تعامل مقاومتی.



## ۲. چارچوب نظری

سازهانگاری برخلاف نظریه‌های واقع‌گرایانه که سیاست خارجی را صرفاً براساس منافع مادی و قدرت نظامی تبیین می‌کنند، بر اهمیت هویت، ارزش‌ها و برداشت‌های ذهنی در شکل‌دهی به کنش بین‌المللی تأکید دارد. براساس این دیدگاه، ساختار نظام بین‌الملل محصول تعاملات اجتماعی و معانی مشترک است و نه صرفاً توزیع قدرت مادی یا دشمنی و دوستی میان کشورها؛ یعنی ساختاری ذاتی ندارد بلکه نتیجه هویت‌سازی و معناسازی گفتمانی است. سازهانگاری نشان می‌دهد که هویت‌ها، گفتمان‌ها و معانی اجتماعی نقش تعیین‌کننده در رفتار دولت‌ها دارند و می‌توان رفتارهای سیاست خارجی را نه فقط با تکیه بر فشارها و منابع مادی بلکه؛ از منظر معنایی و هویتی تحلیل کرد.

در این چارچوب، گفتمان انقلاب اسلامی به‌عنوان سازه‌ای هویتی و معنایی، چارچوب اصلی سیاست خارجی ایران را شکل داده است. سیاست «تعامل مقاومتی» جمهوری اسلامی نیز از این منظر قابل فهم است: این تعامل تاکتیکی و مشروط، ابزاری برای حفظ اصول و هویت گفتمانی است، نه عدول از آن‌ها.

این مقاله با بهره‌گیری از روش تحلیل گفتمان در چارچوب سازهانگاری، تلاش می‌کند نشان دهد چگونه گفتمان انقلاب اسلامی، هم رفتارهای تقابلی و هم ظرفیت‌های تعامل محدود با آمریکا را شکل داده است و این رویکرد هویتی، الگویی پایدار در سیاست خارجی ایران محسوب می‌شود.

## ۳. روش پژوهش

گفتمان از نیمه دوم قرن بیستم وارد ادبیات علوم انسانی شد. میشل فوکو معتقد است که گفتمان‌ها «اعمالی هستند که به‌طور سیستماتیک، شکل‌دهنده موضوعاتی هستند که خود سخن می‌گویند. گفتمان‌ها درباره موضوعات صحبت نکرده و هویت موضوعات را تعیین نمی‌کنند؛

آن‌ها سازنده موضوعات بوده و در فرایند این سازندگی، مداخله خود را پنهان می‌دارند» (تاجیک، ۱۳۷۷: ۱۵). فوکو گفتمان را در معنای جدید، دربرگیرنده نشانه‌های زبان‌شناسانه (گفتاری-نوشتاری) و غیرزبان‌شناسانه (رفتاری-روانی) می‌گیرد که نه تنها زبان بلکه؛ کل حوزه اجتماعی انسان را نیز دربر می‌گیرد و افزون بر تولید نظامی از حقیقت، آن را بر سوژه تحمیل می‌کند (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۵۳).

تحلیل گفتمان شیوه پژوهشی فوکو است که او طی کارهای خود، دیرینه‌شناسی و تبارشناسی را به کار برد تا تحولات تاریخی و معنایی مفاهیم و واژگان را در طول زمان بررسی کند. دیرینه‌شناسی گامی برای شناخت تحول مفاهیم و تبارشناسی نگاهی به گذشته برای درک بیش امروز فراهم می‌کند (توحیدفام، ۱۳۸۱: ۲۸).

در مقاله پیش رو، با روش تحلیل گفتمان فوکو، مؤلفه‌های کلیدی گفتمان انقلاب اسلامی شامل استقلال‌طلبی، نفی سلطه، روحیه شهادت‌طلبی، مردم‌سالاری دینی و قدرت نظامی که به تولید قدرت نظامی و شکل‌دهی هویت سیاسی جمهوری اسلامی کمک کرده‌اند، بررسی شده است. داده‌های پژوهش شامل اسناد تاریخی، بیانات رهبران، و نمونه‌های مذاکرات ایران و آمریکا مانند توافق الجزایر، مذاکرات مک‌فارلین و مذاکرات هسته‌ای هستند. این روش امکان می‌دهد تا ارتباط هویت گفتمانی و سیاست‌های تقابلی و تعامل‌جویانه ایران با آمریکا از آغاز انقلاب تاکنون به‌طور تحلیلی تبیین شود و نشان دهد سیاست تعامل مقاومتی چگونه در چارچوب گفتمان انقلاب اسلامی شکل گرفته است.

۴. مؤلفه‌های قدرت در گفتمان انقلاب اسلامی

۴-۱- قدرت نرم انقلاب اسلامی

جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی خود، گفتمان انقلاب اسلامی را پیگیری کرد که

شامل آگاهی بخشی، هویت اسلامی و بیداری اسلامی بود و مجموع این عوامل موجب تولید قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی شد. انقلاب اسلامی به‌عنوان الگویی نوین از نظام حکمرانی برخاسته از اسلام اصیل، توانست در مدت زمان کوتاه از چارچوب مرزهای ملی فراتر رود و پیام بنیادین خود مبنی بر مبارزه با ستم و برپایی عدالت را به نقاط دوردست منتقل نماید. این تحول، از یک سو با درهم شکستن ساختار انحصاری روابط بین‌الملل و برهم زدن معادلات منطقه‌ای و جهانی، اعتمادبه‌نفس تازه‌ای در میان مسلمانان ایجاد کرد و از سوی دیگر، با طرح شعار «نه شرقی، نه غربی» و ایجاد شالوده‌ای متفاوت برای نظم جهانی، امید را در دل میلیون‌ها مستضعف و آزادی‌خواه زنده نگه داشت.

در همین راستا، انقلاب اسلامی ایران نمونه‌ای بارز از تحقق قدرت نرم است؛ قدرتی که توانایی اثرگذاری بر رفتار دیگران را بدون اجبار و هزینه مستقیم دارد (۱۲: ۲۰۱۰، Rubin). پس از پیروزی انقلاب، این ظرفیت نرم به یکی از عوامل مهم در سطح منطقه و جهان بدل شد. ارزش‌ها و هنجارهای برخاسته از گفتمان انقلاب اسلامی و پیام فرهنگی آن، نه تنها بر جامعه ایران بلکه بر جنبش‌های آزادی‌بخش منطقه‌ای و جهانی تأثیر گذاشتند (متقی و رشاد، ۱۳۹۰: ۱۱۰). جذابیت پیام انقلاب در ایجاد همگرایی میان ارزش‌های دینی، استقلال‌طلبانه و ضداستکباری، ملت‌های مسلمان و کشورهای جهان‌سوم را به‌سوی همکاری و تلاش مشترک سوق داد و بدین ترتیب فرهنگ انقلابی و الگوی توسعه درون‌زا را در عرصه بین‌المللی برجسته ساخت.

این فرایند به‌گونه‌ای بود که انقلاب توانست بدون توسل به اجبار یا تحمیل، ملت‌ها را متقاعد سازد تا در مسیر دستیابی به اهداف مطلوب گام بردارند (فارس، ۱۳۸۷). انعکاس این رویکرد را می‌توان در هویت‌گرایی اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا مشاهده کرد. مهم‌ترین سرچشمه قدرت نرم انقلاب اسلامی، دین و آموزه‌های دینی بود که در پرتو خلاقیت‌های

رهبری امام خمینی(ره) به موتور محرک بسیج سیاسی و اجتماعی تبدیل شد. ویژگی بنیادین تعالیم اسلامی، یعنی روح جمعی و وحدت‌آفرین آن، سبب شد جامعه ایران از فردگرایی منفی فاصله گرفته و به سوی یکپارچگی و همبستگی سیاسی حرکت کند (محمدی، ۱۳۸۹: ۳۰-۲۹). همین مؤلفه‌ها با قدرت اقتناع و ظرفیت بسیج‌کنندگی بالا، موجب شدند انقلاب اسلامی در مواجهه با فرهنگ غربی، تأثیری گسترده در میان جوامع اسلامی منطقه بر جای گذارد.

در کنار این عوامل، عنصر آگاهی‌بخشی و بیدارسازی - که در آموزه‌ها و سیره انبیای الهی و معصومان(ع) جایگاهی اساسی دارد - در اندیشه و عمل امام خمینی(ره) نیز به روشنی نمایان بود. این رویکرد زمینه‌ساز شکل‌گیری حرکت‌های مردمی، بیداری مستضعفان و پویایی مسلمانان گردید و ابعاد تازه‌ای از قدرت نرم انقلاب را آشکار ساخت. امام خمینی(ره) ریشه عقب‌ماندگی ملل اسلامی را در بی‌خبری و ازخودبیگانگی تحمیل شده توسط قدرت‌های سلطه‌گر و عوامل داخلی آن‌ها می‌دانست و از همین رو، تمام تلاش خویش را صرف ایجاد بصیرت، انگیزه و حرکت در ملت‌ها نمودند.

#### ۴-۲- محور مقاومت

ایجاد محور مقاومت در خاورمیانه را می‌توان انعکاس آثار و نتایج هنجاری انقلاب اسلامی دانست. در واقع انقلاب اسلامی از سایر انقلاب‌های بعد از جنگ جهانی دوم متفاوت است، زیرا شاخص‌های هویتی و ایدئولوژیک انقلاب اسلامی ایران در فضای اجتماعی خاورمیانه دارای جاذبه سیاسی و کارکرد هستند که این امر حرکت مؤثر سیاست خارجی ایران در خاورمیانه را اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. در این ارتباط، پیوند مؤلفه‌های هویتی، ژئوپلیتیکی و سیاسی در فضای انقلابی را باید اصلی‌ترین عامل شکل‌گیری زیرساخت‌های مقاومت در سیاست خارجی ایران دانست (متقی، ۱۳۸۹: ۱۸۱-۱۸۰).

امام خمینی (ره) در وصیت‌نامه سیاسی-الهی خود به صراحت بر این نکته تأکید داشته‌اند که: «نباید شک کرد که انقلاب اسلامی از همه انقلاب‌ها جداست، هم در پیدایش و هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزه انقلاب و قیام.» (آیت‌الله خمینی، ۱۳۶۸: ۴۰۲).

جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان اصلی‌ترین رکن محور مقاومت در طول سالیان سال، همواره در خط مقدم مقابله با سلطه‌گری آمریکا و مقابله با تجاوزگری و توسعه‌طلبی رژیم صهیونیستی و یاری و کمک به ملت‌های مظلوم منطقه، برای رهایی از ظلم و ستم بوده است و هر روز نیز بر توان بازدارندگی خود و یاری رساندن به اعضای محور مقاومت افزوده است. هرچند محور صهیونیستی-آمریکایی و عربی در طول سال‌های گذشته توطئه‌های مختلفی علیه ایران برای رسیدن به مقاصد خود و خاموش کردن شعله مقاومت در منطقه انجام داده‌اند، در این راه در سایه مقاومت ملت ایران شکست خورده‌اند که آخرین نمونه آن تحمیل جنگ ۱۲ روزه آمریکا و نیروی نیابتی‌اش اسرائیل به ایران بود که باعث شد شکست سختی محتمل شوند و در نهایت درخواست آتس‌بس بدهند. علائم زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد نظم کنونی جهان در حال تغییر است و نظم جدیدی بر جهان حاکم خواهد شد... فکر مقاومت و جبهه مقاومت در مقابل زورگویی گسترش خواهد یافت که مبتکرش جمهوری اسلامی است (آیت‌الله خامنه‌ای، و نگاه خامنه‌ای: ۱۴۰۱).

#### ۴-۲- روحیه شهادت‌طلبی

روحیه شهادت‌طلبی یکی از اصلی‌ترین منابع فرهنگ مقاومت در میان جنبش‌های اسلامی است. از لحاظ تاریخی و تبارشناسانه، این فرهنگ ملهم از آموزه‌های شیعه و نهضت عاشورا است. با بررسی آیه‌های قرآن کریم به این نتیجه می‌رسیم که روحیه شهادت‌طلبی یک ارزش بوده و فرهنگ آن در افراد و جامعه اسلامی است. در اثبات این ادعا، آیه ۲۳ سوره احزاب می‌فرماید: «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَجْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن

يَنْتَظِرُ وَا مَا بَدَلُوا تَبْدِيلًا» (در میان مؤمنان مردانی هستند که بر سر عهده‌ای که با خدا بستند صادقانه ایستاده‌اند؛ بعضی پیمان خود را به آخر بردند (و شهید شدند) و بعضی دیگر در انتظارند و هرگز تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود نداده‌اند). به همین جهت، روحیه جهاد و شهادت ایجادکننده قدرت نرم و بالندگی و بازدارندگی در مقابل دشمنان است. ایشار و شهادت‌طلبی یک فرهنگ است که دارای پایه‌های اعتقادی-معرفتی، ارزشی و رفتاری و آثار تمدنی است. در جامعه توحیدی-اسلامی با تحقق فرایند معرفتی-تربیتی متأثر از فرهنگ شهادت‌طلبی، نشاط و همبستگی اجتماعی برای تحقق آرمان‌های الهی شکل می‌گیرد و سرعت و سبقت به سوی خیر و آثار ارزشی آن در بین آحاد جامعه نهادینه می‌شود و متعاقب آن سرمایه اجتماعی در جامعه شکل می‌گیرد.

در حقیقت مردمان جامعه‌ای که از مرگ نترسند در برابر هر قدرت زورگو و متجاوز ایستادگی می‌کنند و اگر در این راه بمیرند، پیروز هستند و اگر زنده بمانند، دشمن را مغلوب می‌کنند (عسگری و آقاجانی، ۱۳۹۱: ۹۳). نمود بارز چنین روحیه‌ای را می‌توان در دوره جنگ تحمیلی ملاحظه کرد.

جیمز بیل در مقاله «جنگ، انقلاب و روحیه. قدرت ایران در جنگ خلیج فارس»، با اشاره به بحث جهاد و شهادت می‌نویسد:

«خمیرمایه روحیه بالا که پشتوانه تلاش‌های جنگی ایران است. در مفاهیم جهاد و شهادت نهفته است.» (بیل، ۱۳۶۷: ۴۲۰).

#### ۴-۳- سیاست نفی سلطه

در فصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (سیاست خارجی)، ذیل اصل یکصد و پنجاه و دوم آمده است:

«سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمحراب استوار است.» (خاتمی، ۱۳۸۰: ۶۲).

علاوه بر این اصل، اصول دیگری نیز در راستای همین اهداف و مبانی وجود دارند که به ذهنیت و تفکر نخبگان فعال در عرصه سیاست خارجی سمت‌وسو می‌دهند.

«با توجه به قانون اساسی و عملکرد ایران، اهداف کلان [آن] را می‌توان در سه دسته تقسیم‌بندی کرد:

الف) رشد و توسعه اقتصادی، حفظ تمامیت ارضی و حاکمیت ملی؛

ب) دفاع از مسلمانان و نهضت‌های آزادی‌بخش و تعارض با اسرائیل و غرب (به‌خصوص آمریکا)؛

ج) استقرار یک جامعه اسلامی براساس مبانی شیعی» (سریع‌القلم، ۱۳۷۹: ۴۹).

جمهوری اسلامی با الهام از قاعده نفی سبیل که یکی از منابع مهم انقلاب اسلامی است، هرگونه سیاست سلطه‌گری توسط قدرت‌های سلطه‌گر را محکوم به شکست کرده است. قاعده «نفی سبیل» در مشار قواعد مهم فقه اسلامی جای دارد و می‌توان گفت زیربنای سیاست خارجی جمهوری اسلامی است. نماد قاعده نفی سبیل در تمامی حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی قابل مشاهده است. قاعده نفی سبیل از آیه ۱۴۱ سوره نساء برگرفته شده است. در این آیه آمده است:

«و لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا»

خداوند (در عالم تشریح) هیچ راهی برای تسلط کافران بر مسلمانان قرار نداده است (ابولفضلی، ۱۳۷۹: ۹).

اگر بخواهیم نفی سلطه‌جویی را با شرایط تاریخی و اجتماعی ایران پس از انقلاب اسلامی

منطبق کنیم، می‌توانیم از آن به یک سیاست خارجی انقلابی و در عین حال یک سیاست خواهان ثبات‌سازی تعبیر کنیم. این ویژگی در واقع مکمل، موضوعی است که نیاز به تبیین با زبانی بین‌المللی دارد. ایران انقلابی از سویی هیچ‌گاه زورگویی و سلطه‌جویی در نظام جهانی و مناسبات هژمونیک مرکز و پیرامون (و نیمه‌پیرامون) را به رسمیت نشناخته و بارها اعلام کرده است بازگشت به مناسبات پیش از انقلاب ایران با نظام سلطه، امکان‌پذیر نیست و لذا مخالف هرگونه حضور یا دخالت نیروهای خارجی در منطقه بوده است. از سوی دیگر نیز، جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر لزوم حفظ ثبات در منطقه و پرهیز از اقدامات تند نظامی یا اقدامات براندازی و تغییر رژیم، خود نیز هیچ‌گاه به دنبال تبدیل به یک هژمونی جدید یا سلطه‌جویی در قبال کشورهای دیگر منطقه و در نهایت جانشینی نظام سلطه در ساختار بین‌الملل نبوده و نیست و هیچ‌گاه سیاست‌های نظامی تهاجمی و بی‌ثبات‌ساز را در منطقه و جهان دنبال نکرده است (میریوسفی، ایرنا، ۱۳۹۴).

جوزف نای در توصیف این وجه از قدرت ایران می‌گوید:

«ایران به نماد استقلال تبدیل شده است و ارزش‌های مردم خود را ترویج می‌کند که مورد احترام بقیه قرار می‌گیرد» (نای، ۸۹/۱۱/۱۱).

جمهوری اسلامی ایران سیاست عملی نفی سلطه‌جویی را به قدرت‌های بزرگ در منطقه به‌طور کامل نشان داده است که می‌توان به‌عنوان نمونه به ساقط کردن پهپادهای آمریکایی، زدن پایگاه عین‌الاسد در عراق، توقیف کشتی‌های آمریکایی، انگلیسی، وعده صادق یک، دو و سه اشاره کرد. این نفی سلطه‌جویی موجب تولید قدرت برای جمهوری اسلامی شده است.

۴-۴- مردم‌سالاری دینی

واژه «مردم‌سالاری دینی» اصطلاح تازه‌ای در گفتمان سیاسی دنیاست که برخلاف واژه‌هایی چون جمهوری اسلامی، پارلمان اسلامی و... که همگی ترکیب‌هایی از یک مفهوم غربی به‌علاوه یک قید اسلامی هستند، در بستر مبانی اسلام و متأثر از آموزه‌های نبوی و علوی برآن است تا ضمن پاسداشت حقوق مردم در حوزه سیاست و اداره امور جامعه و پرهیز از الگوهای حکومتی استبدادی، اصول و مبانی ارزشی را رعایت کند و بدین ترتیب، نظام اسلامی را از الگوهای سکولار غربی تمیز دهد. برای این منظور، در حکومت اسلامی، روش نوینی مورد توجه قرار گرفته که نه استبدادی و نه لیبرالی است (پرسمان، ۱۳۸۴: شماره ۳۶).

امام خمینی با تأکید بر نقش مردم ایران در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی و ارج نهادن به خواست‌ها و آرای آنان در چارچوب دین و شریعت در ساختن نظام، نشان دادند که جایگاه و پایگاه مردم در اندیشه مردم‌سالاری دینی نه تنها کم‌رنگ نیست بلکه؛ در این نوع نظام سیاسی آنچه مهم است خیر و صلاح مردم بر مبنای جهان‌بینی دینی و رستگاری ابدی انسان‌هاست. در این دیدگاه حکومت ابزاری برای رشد و تکامل انسان است، نه اینکه خود حکومت و مشارکت مردم به‌عنوان یک هدف باشد. امام خمینی همواره به نقش مردم و محوریت این نقش تأکید داشته‌اند و این سخن صریح و جامع ایشان است که: «میزان رأی ملت است» (آیت‌الله خمینی، ۱۳۵۸: ۱۶۹).

طرح و تبیین الگوی «مردم‌سالاری دینی» نشان‌دهنده جایگاه برجسته این مفهوم در گفتمان انقلاب اسلامی است. اتکای انقلاب به پایگاه اجتماعی گسترده موجب شد تا در برابر انواع توطئه‌ها و اقدامات براندازانه، از شورش‌های هدایت شده توسط بیگانگان گرفته تا جنگ تحمیلی هشت‌ساله، آسیب‌ناپذیر بماند و مسیر پویایی و استواری خود را ادامه دهد. از این منظر، حمایت مردمی را می‌توان پس از ایدئولوژی اسلامی، اصلی‌ترین رکن و سرچشمه قدرت گفتمان انقلاب اسلامی قلمداد کرد. امام خمینی (ره) نیز سرمایه اجتماعی انقلاب را

محدود به سطح ملی نمی‌دانستند بلکه؛ آن را در سطوح منطقه‌ای و جهانی نیز گسترش داده و بر ظرفیت امت اسلامی و همچنین توده‌های مستضعف در سراسر جهان تأکید داشتند. بر همین اساس، مردم‌سالاری دینی زمینه‌ساز پیوند واقعی میان حکومت و جامعه شد و همین هم‌افزایی منبعی نوین برای تولید قدرت به وجود آورد. نمودهای عینی این پیوند را می‌توان در حضور پرشور مردم در راهپیمایی ۲۲ بهمن، مشارکت در انتخابات‌های گوناگون و مقابله با فتنه‌های داخلی و خارجی مشاهده کرد. افزون بر این، اتحاد و همبستگی مردم در جریان رویارویی با جنگ‌های تحمیلی و تجاوزات دشمنان - از جمله مقاومت در برابر حمله ۱۲ روزه آمریکا و رژیم صهیونیستی - قدرت اجتماعی انقلاب را به جهانیان نمایان ساخت و توان آن را در مبارزه با سلطه‌طلبی قدرت‌های بزرگ آشکار کرد.

#### ۴-۵- قدرت نظامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، یکی از جدی‌ترین اقدامات در راستای تقویت بنیه دفاعی کشور، توجه به توسعه صنایع موشکی بود؛ به گونه‌ای که سرمایه‌گذاری در این عرصه را می‌توان مهم‌ترین گام در ارتقای توان بازدارندگی ایران دانست. در حالی که ساختار نظامی دوره پهلوی دوم مبتنی بر تجهیزات آمریکایی شکل گرفته بود، پس از انقلاب و در جریان تهاجم عراق به ایران، جمهوری اسلامی با شرایطی مواجه شد که هم از نظر نظامی و به‌ویژه در حوزه هوایی دچار ضعف بود و هم به دلیل تحریم‌های گسترده در انزوا قرار داشت. نیروی هوایی تنها به تجهیزات قدیمی دوران شاه متکی بود و به دلیل عدم دسترسی به قطعات یدکی و تحریم تسلیحاتی در جنگ، دچار رکود شد. این شرایط، سیاست‌گذاران را به سمت یافتن گزینه‌های جایگزین از جمله توسعه توان موشکی سوق داد. در مقایسه با جنگنده‌ها و سایر ادوات پیشرفته، موشک‌ها به فناوری ساده‌تر و هزینه تولید پایین‌تری نیاز دارند. همچنین، برای

کشورهایی نظیر ایران که با محدودیت در دستیابی به فناوری‌های پیچیده روبه‌رو هستند، تولید موشک به دلیل نیاز کمتر به زیرساخت‌های صنعتی، امکان‌پذیرتر است. از این‌رو، جمهوری اسلامی با اتکا به ظرفیت‌های داخلی و بهره‌گیری از انتقال دانش نظامی از کشورهای چون چین، کره شمالی و اتحاد جماهیر شوروی سابق توانست خلاً ناشی از فقدان دسترسی به فناوری غرب را تا حدود زیادی جبران نماید (قوام ملکی، ۱۳۹۰: ۱۰۶-۱۰۵). طرح موشکی ایران که در ادبیات راهبردی همچون ستون فقرات بازدارندگی شناخته می‌شود، بیش از آنکه تنها به بررسی ابعاد فنی آن نیاز داشته باشد، مستلزم واکاوی چرایی انتخاب چنین راهبردی است. تجربه جنگ تحمیلی به‌خوبی نشان داد که نبود یک سلاح راهبردی تعیین‌کننده برای پاسخ‌گویی به حملات پیاپی دشمن و نیز آسیب‌پذیری ناشی از ناتوانی در مقابله با موشک‌باران مناطق غیرنظامی توسط رژیم بعث، تصمیم‌گیران نظامی را متقاعد کرد که دستیابی به سامانه‌های موشکی و ضد موشکی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. در نتیجه، از سال‌های پس از جنگ به‌ویژه در دو دهه اخیر، توسعه انواع موشک‌های پیشرفته در مرکز توجه سیاست دفاعی ایران قرار گرفت و به ابزاری کلیدی برای برقراری موازنه قدرت منطقه‌ای تبدیل شد. سرمایه‌گذاری در صنایع موشکی نه تنها پاسخی به محدودیت‌های ایران در حوزه تسلیحات متعارف و نیروی هوایی بود بلکه؛ راهکاری کم‌هزینه و مؤثر برای مقابله با برتری هوایی کشورهای منطقه نیز محسوب می‌شد. علاوه بر این، تولید داخلی موشک ایران را از وابستگی به قطعات یدکی خارجی رها ساخت. دستاوردهای موشکی کشور، از یک‌سو توان نظامی و دفاعی جمهوری اسلامی را ارتقا داد و از سوی دیگر دامنه بازدارندگی آن را به ورای مرزهای جغرافیایی گسترش بخشید. یکی از پیامدهای مهم پیشرفت‌های موشکی در جهان امروز کاهش اهمیت مرزهای جغرافیایی در راهبردهای امنیتی است. توسعه موشک‌های دوربرد و دقیق، این امکان را

فراهم کرده است که ایران بدون نیاز به هم‌مرز بودن با دشمنان بالقوه، قدرت بازدارندگی خود را فراتر از سرزمین ملی اعمال کند. به‌علاوه، افزایش برد و دقت موشک‌ها توان ضربتی نیروهای مسلح ایران را به‌طور چشمگیری تقویت نموده و ظرفیت دفاعی ویژه‌ای در برابر تهدیدات دوردست ایجاد کرده است. بدین ترتیب، با تحول فناوری موشکی، دامنه راهبرد دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی فراتر از مرزهای سرزمینی گسترش یافته و این روند همچنان رو به توسعه است (ارغوانی پیر سلامی و پیرانخو، ۱۳۹۶: ۶۶-۶۷).

عامل بعدی که بر توان بازدارندگی جمهوری اسلامی افزوده است، پهپاد می‌باشد. امروزه صنعت ساخت پهپاد در جهان به‌عنوان یکی از صنایع راهبردی شناخته می‌شود؛ به‌طوری‌که تحولات نظامی حال حاضر در اکثر مناطق جهان را نمی‌توان بدون ملاحظه نقش و جایگاه توان پهپادی طرفین یا اطراف درگیری، تحلیل کرد. جمهوری اسلامی ایران بنا به اعتراف کارشناسان امور نظامی و اندیشکده‌ها و رسانه‌های غربی، یکی از قدرت‌های جهانی شناخته می‌شود که نه تنها در تولید پهپاد به خودکفایی رسیده و از اتکا به قدرت‌های بیگانه مستغنی است بلکه؛ در حال تبدیل شدن به یکی از قطب‌های صادراتی پهپاد در بازار تسلیحاتی جهان است که به مناطق مختلف دنیا از جمله کشورهای قدرتمند نظامی، هواپیماهای بدون سرنشین صادر می‌کند. مجموع صنایع دفاعی جمهوری اسلامی ایران در کنار مابقی مؤلفه‌های گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، پازلی را ایجاد می‌کند که به هر قدرت سلطه‌گر و یا متخاصم این پیام را می‌رساند که در صورت حمله و یا جنگ مانند جنگ تحمیلی آمریکا و اسرائیل به ایران، قطعاً شکست سختی خواهد خورد.

گفتمان انقلاب اسلامی مبتنی بر مؤلفه‌هایی همچون استقلال‌طلبی، سیاست نفی سلطه، روحیه شهادت‌طلبی، مردم‌سالاری دینی، قدرت نظامی، از ابتدا نقش محوری در بازتعریف هویت

سیاسی جمهوری اسلامی ایفا کرده و ایالات متحده آمریکا را به‌عنوان نماد سلطه بازنمایی کرده است. در حقیقت مؤلفه‌های موجود در گفتمان انقلاب اسلامی موجب تولید قدرت برای جمهوری اسلامی شده و با این گفتمان در مقابل زیاده‌خواهی و زورگویی آمریکا از سال ۵۷ تا الان ایستادگی کرده است.

#### ۶- تعامل مقاومتی و نمودهای آن در مذاکرات ایران و آمریکا

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در چارچوب گفتمان انقلاب اسلامی، بر «مقاومت در برابر سلطه‌جویی» استوار است، اما این مقاومت به معنای انکار مطلق هرگونه مذاکره یا تعامل نیست بلکه؛ نوعی تعامل مقاومتی شکل گرفته است که در آن، گفت‌وگو و همکاری‌های محدود تنها زمانی پذیرفته می‌شود که به تقویت اصول گفتمانی و تثبیت دستاوردهای ملی بینجامد، نه عبور از آن‌ها. به بیان دیگر، تعامل در این چارچوب ابزاری تاکتیکی برای کاستن از تهدیدها و افزایش توان مقاومت است، نه سازشی برای ادغام در نظام سلطه‌محور. این رویکرد در عمل بارها در روابط ایران و آمریکا آشکار شده است.

#### - توافق الجزایر

توافق الجزایر را می‌توان موفق‌ترین نمونه روابط مبتنی بر مذاکره بین ایران و آمریکا از اول انقلاب تاکنون دانست. توافق الجزایر قراردادی است که در انتهای مذاکرات بین ایران و آمریکا با وساطت الجزایر انجام شد و در تاریخ ۱۹ ژانویه سال ۱۹۸۱ به امضای طرفین رسید. این توافق بعد از ماجرای سفارت آمریکا و متعاقباً قطع روابط دیپلماتیک و اقتصادی بین ۲ کشور و بلوکه شدن اموال و دارایی‌های ایران توسط ایالات متحده و شکست آمریکا در عملیات نظامی (پنجه عقاب) علیه ایران، به‌دست آمد. این توافق به‌دلیل وجود یک نیاز مشترک (آزادسازی گروگان‌ها برای آمریکا و آزادسازی اموال بلوکه شده برای ایران) به نتیجه رسید. در اینجا،

مذاکره ابزاری برای تأمین منافع فوری بدون عدول از اصول بود.

### - مذاکرات مک‌فارلین

خرداد ۱۳۶۵ جیمز مک‌فارلین، مشاور امنیت ملی رونالد ریگان به‌صورت محرمانه با یک هواپیمای حامل سلاح به تهران سفر کرد. محتوای مذاکرات تأمین سلاح و آزادی آمریکایی‌ها در لبنان بود. مک‌فارلین در یک وضعیت پوششی و به‌عنوان یک ایرلندی به ایران سفر کرده بود. هیئت آمریکایی پس از ۴ روز معطلی و بدون آنکه به تفاهمی برسد، پس از دریافت گذرنامه‌های خود و تخلیه قطعات داخل هواپیما، در ۷ خرداد ۱۳۶۵ ایران را ترک کردند. از منظر سازه‌نگاری، شکست مذاکرات مک‌فارلین ناشی از تعارض هویت‌های دو طرف بود؛ زیرا آمریکا ایران را بازیگری ناسازگار با نظم لیبرال می‌دید و ایران آمریکا را نماد استکبار و سلطه.

### - مذاکرات «کاهش تنش» در زمان بیل کلینتون

سومین تلاش آمریکایی‌ها برای مذاکره با ایران را باید مذاکرات «کاهش تنش» در دوره دولت اصلاحات دانست. انتخابات ۲ خرداد ۱۳۷۶ و متعاقباً سیاست تنش‌زدایی دولت وقت ایران (دولت اصلاحات) سبب شد تغییرات گسترده‌ای در سیاست خارجی دولت ایران اتفاق افتد. تغییر فضای سیاست داخلی در ایران، همراه با تغییرات در سیاست داخلی آمریکا بود. در ایالات متحده، انتخاب کلینتون سبب شد صدای تنش‌زدایی دولت اصلاحات به گوش طرف آمریکایی برسد و آن را به‌عنوان حُسن‌نیتی برای شروع یک روند جدید بین دو کشور قلمداد کند. در این بین مادلین آلبرایت حتی پا را پیش گذاشته و نسبت به رفتار دولت متبوعش در قبل از انقلاب اسلامی عذرخواهی کرد و گفت: «آمریکا از رژیم شاه پشتیبانی می‌کرد. ضرورت‌های جنگ سرد، سیاست‌ها و فعالیت‌های آمریکا را شکل می‌داد که تعداد زیادی از ایرانیان از آن متنفر بودند، لذا با چنین سابقه‌ای عکس‌العمل ایرانی‌ها قابل درک است». آلبرایت

از دولت ایران خواست به نقشه راه منتهی به عادی‌سازی روابط به آمریکا بپیوندد. در ادامه بیل کلینتون نیز همین رویه آلبرایت را ادامه داد و گفت: «ایرانی‌ها حق دارند به‌خاطر آنچه کشور من یا فرهنگ من یا متحدان امروزی ایالات متحده ۵۰ یا ۶۰ یا ۱۰۰ یا ۱۵۰ سال پیش به سر کشورشان آورده‌اند عصبانی باشند اما این مسئله غیر از این است که گفته شود ما کافریم و آن‌ها برگزیده خداوند هستند».

آمریکایی‌ها حتی ادعا کردند برای استقرار کنسولگری در تهران برای تسهیل صدور ویزای ایرانیان آمادگی دارند، علی‌رغم فضای مثبت اولیه و سیاست تنش‌زدایی دولت ایران، بی‌اعتمادی ساختاری و طرح اتهامات جدید (مانند انفجار برج‌های الخبر) روند تعامل را متوقف کرد.

#### – مذاکرات مستقیم ایران – آمریکا درباره افغانستان و عراق

بعد از روی کار آمدن جرج بوش، روابط ایران و آمریکا در وضعیت بسیار پیچیده‌تری قرار گرفت. آمریکا با حمله به ۲ همسایه شرقی و غربی ایران و با استفاده از بهانه‌ای که گروهک منافقین با ادعای «افشای اسناد هسته‌ای» علیه ایران مطرح کرده بود و اجماع بین‌المللی علیه کشورمان به وجود آورد، در حقیقت ۸ سال روابط دشوار دو کشور را دنبال کرد. با این حال، مذاکراتی بین دو طرف درباره عراق و افغانستان شکل گرفت. بعدها محمدجواد ظریف از آن تحت‌عنوان مذاکرات مستقیم با آمریکایی‌ها در کنفرانس بن آلمان در نوامبر سال ۲۰۰۱ برای پیدا کردن جایگزینی برای نظام بعد از طالبان یاد کرد، این مذاکرات موفق شد نقش ایران را در ترتیبات جدید منطقه‌ای برجسته کند. در عین حال، جمهوری اسلامی با حفظ خطوط قرمز خود نشان داد که همکاری تاکتیکی منافاتی با مقاومت راهبردی ندارد.

#### – مذاکرات مستقیم هسته‌ای در دولت‌های ۱۱ و ۱۲

شاید طولانی‌ترین مذاکرات مستقیم بین ایران و آمریکا را باید مذاکرات مربوط به برجام قلمداد

کرد؛ چندین دور مذاکره مستقیم بین جان کری، وزیر خارجه آمریکا و محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران که منتهی به برنامه جامع اقدام مشترک بین ایران و ۵+۱ و حتی گفت‌وگوی تلفنی بین باراک اوباما، رئیس‌جمهور آمریکا و حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران شد. البته با روی کار آمدن ترامپ و اعمال نفوذ صهیونیست‌ها بر ترامپ و دکترین سیاست خارجی او، خروج وی از این توافق، دیوار بی‌اعتمادی بین دو طرف را بلندتر از هر زمانی در تاریخ بعد از انقلاب اسلامی کرد.

#### ۶- مذاکره غیرمستقیم در دوره پزشکیان - ترامپ

دور دوم ریاست‌جمهوری ترامپ با ابتکار «حل‌وفصل اختلافات دو طرف» به‌وسیله ترامپ و با نوشتن نامه از سوی وی به رهبر انقلاب شروع شد. با پاسخ ایران به نامه ترامپ، عملاً مذاکرات بین ایران و آمریکا با وساطت عمان شروع شد. این مذاکرات با دو محور محدودسازی غنی‌سازی توسط ایران از یک سو و رفع تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران از سوی دیگر، پیش رفت اما با حمله آمریکا به جمهوری اسلامی در حین مذاکرات و هدف قرار دادن تأسیسات هسته‌ای متوقف شد (تسنیم، ۱۴۰۴).

در مجموع، مرور تجربه‌های تاریخی نشان می‌دهد که «تعامل مقاومتی» به‌مثابه یک الگوی رفتاری پایدار در سیاست خارجی جمهوری اسلامی عمل کرده است؛ الگویی که ترکیبی از ایستادگی اصولی و انعطاف تاکتیکی در برابر آمریکا بوده و به جمهوری اسلامی امکان داده است بدون عدول از مبانی گفتمان انقلاب اسلامی، از ظرفیت مذاکره نیز به‌عنوان ابزاری برای حفظ و تقویت مقاومت استفاده کند.

#### ۷- سناریوها روابط جمهوری اسلامی و ایالات متحده

با توجه به این سابقه، آینده روابط ایران و آمریکا را می‌توان در قالب چند سناریو تصور کرد:

سناریوی اول: تداوم تقابل گفتمانی

در این سناریو، گفتمان انقلاب اسلامی همچنان دست بالا را در ساختار قدرت دارد و تعامل با آمریکا را نفوذ دشمن و انحراف از اصول انقلاب می‌داند. ویژگی‌ها:

تأکید مستمر بر «استکبارستیزی» در ادبیات رسمی

تقویت پیوندهای راهبردی با شرق (چین، روسیه)

بی‌اعتمادی ساختاری به آمریکا در همه سطوح سیاست‌گذاری

تداوم مذاکرات غیرمستقیم و مستقیم

سناریوی دوم: تعامل مشروط در چارچوب گفتمان

در این وضعیت، تعامل با آمریکا نه از موضع نرمش هویتی بلکه به‌مثابه یک تاکتیک برای حفظ نظام و بهبود وضعیت اقتصادی، درون گفتمان انقلاب بازتعریف می‌شود. تعامل نه از سر تغییر هویت بلکه؛ با حفظ اصول و در چارچوب «عزت، حکمت و مصلحت» انجام می‌گیرد.

ویژگی‌ها:

احیای مذاکرات با چارچوبی مشخص و محدود

حفظ خطوط قرمز گفتمانی مانند استقلال، عدم مذاکره مستقیم نظامی/امنیتی

استفاده از فرصت‌های اقتصادی برای تنفس ساختاری

بازتفسیر گفتمان از موضع اقتدار («نرمش قهرمانانه»)

سناریوی سوم: گذار گفتمانی و بازتعریف (دیگری)

در این وضعیت بلندمدت، به‌دلیل تحولات اجتماعی، اقتصادی و نسلی، گفتمان رسمی جمهوری اسلامی دچار بازنگری تدریجی می‌شود و امکان بازتعریف آمریکا از «دشمن هویتی»

به «رقیب ژئوپلیتیک» فراهم می‌گردد.

ویژگی‌ها:

گشایش در حوزه‌های فرهنگی، رسانه‌ای و آکادمیک نسبت به غرب

رشد طبقه متوسط و نخبگان خواهان نرمال‌سازی

بازتعریف اصول انقلاب در پرتو «مصلحت ملی در دنیای متحول»

شکل‌گیری چرخش گفتمانی تدریجی در نهادهای قدرت (نه صرفاً دولتی)

تحلیل سناریویی نشان می‌دهد که آینده روابط ایران و آمریکا، هرچند ریشه در گفتمان انقلاب

اسلامی دارد، اما بسته به بازخوانی آن گفتمان، می‌تواند به سه مسیر متفاوت که در بالا اشاره

شد منتهی شود. در حال حاضر، سناریوی اول (تقابل پایدار) محتمل‌ترین وضعیت است، زیرا

امریکا از موضع زورگویی خود عقب‌نشینی نکرده و سعی بر تحمیل خواسته‌های خود بر

جمهوری اسلامی داشته و دارد.

### نتیجه‌گیری

گفتمان انقلاب اسلامی به‌عنوان چارچوبی هویت‌ساز و جهت‌دهنده، سیاست خارجی

جمهوری اسلامی در قبال ایالات متحده آمریکا را در چهار دهه گذشته ذیل دو محور تقابل

مبتنی بر مقاومت و تعاملِ مشروط و ابزاری شکل داده است. این گفتمان با تأکید بر اصولی

چون استقلال‌طلبی، نفی سلطه و مردم‌سالاری دینی، نه‌تنها بنیان‌های نظری سیاست‌های

ضد استکباری ایران را تبیین کرده بلکه؛ با تکیه بر مؤلفه‌هایی مانند قدرت نظامی و روحیه

شهادت‌طلبی، عملاً مانع از انفعال جمهوری اسلامی در برابر فشارهای واشینگتن شده است.

با این حال، تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران را به سمت نوعی تعامل

مقاومتی سوق داده است؛ تعاملی که نه بر پایه انفعال یا عدول از اصول گفتمانی بلکه؛ با منطق

حفظ هویت انقلابی و بهره‌گیری از دیپلماسی هوشمند (مانند مذاکرات هسته‌ای) پیش‌رفته است. تجربه نشان داده است هرگونه تعامل با آمریکا در این چارچوب، صرفاً در راستای کاهش هزینه‌های تقابل و تأمین منافع ملی در شرایط بحرانی بوده است.

از منظر نظری نیز، تحلیل حاضر در چارچوب سازه‌انگاری نشان می‌دهد که رفتار جمهوری اسلامی بیش از آنکه صرفاً بر ملاحظات مادی یا فشارهای ساختاری مبتنی باشد، بر هویت‌ها و معانی گفتمانی تکیه دارد. گفتمان انقلاب اسلامی به‌عنوان یک «سازه معنایی»، مرزهای امکان‌پذیر تقابل و تعامل را تعیین کرده و موجب شده است که حتی مذاکرات و تعاملات تاکتیکی نیز در خدمت بازتولید همان هویت انقلابی قرار گیرند.

چشم‌انداز آینده روابط ایران و آمریکا نیز تابعی از پویایی همین گفتمان خواهد بود: تا زمانی که ساختار قدرت در نظام بین‌الملل بر هژمونی‌طلبی آمریکا استوار است، تقابل به‌عنوان اصل پایه‌ای ادامه خواهد یافت، اما فضایی برای تعاملات محدود (به‌ویژه در مسائل مشترک مانند امنیت منطقه‌ای یا کنترل تسلیحات) متصور است. با این حال، هرگونه تغییر در روابط، منوط به بازتعریف آمریکا از رویکرد یک‌جانبه‌گرایانه خود و پذیرش حق‌محوری جمهوری اسلامی در عرصه بین‌المللی است. در غیر این صورت، گفتمان انقلاب اسلامی با تکیه بر ظرفیت‌های درونی و همبستگی مردمی، الگوی «مقاومت فعال» را همچون راهبرد بهینه در پیش خواهد گرفت.

### فهرست منابع

- ۱- اودالیانی، امیل (۱۴۰۱). یک محور نوظهور/اورسیایی؟، مؤسسه مطالعات ایران و اوراسیا، قابل دسترس در: وبگاه ایراس.
- ۲- اشرفی، اکبر (۱۴۰۱). گفتمان مردم‌سالاری اسلامی در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، فصلنامه گفتمان سیاسی انقلاب اسلامی، شماره ۱.
- ۳- ابولفضلی، حسن (۱۳۷۹). امکانات و محدودیت‌ها در اجرای قاعده نفی سلطه بیگانگان، تهران. مجله بگانه حوزه، شماره ۹، بهمن.

- ۴- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانش‌آموزان، (۱۴۰۱/۱/۱۱).
- ۵- بیانات امام خمینی (ره) (۱۳۹۵/۱۱/۱۳). انقلاب اسلامی، مردم‌سالاری دینی، مشارکت اجتماعی، عدالت و پیشرفت، قابل دسترس در: وبگاه سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی.
- ۶- بیانات امام خمینی (ره) در دیدار جمعی از پرسنل نیرو هوایی ارتش، (۱۳۵۸/۳/۲۵).
- ۷- بیل، جیمز (۱۳۶۷). جنگ، انقلاب و روحیه: قدرت ایران در جنگ خلیج فارس، بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع. تهران: دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع.
- ۸- تاجیک، رسول و همکاران (۱۴۰۱). دکترین انتقام سخت، در اندیشه دفاعی آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای، مبانی و مکانیسم، فصلنامه گفتمان سیاسی انقلاب اسلامی، شماره ۱، زمستان.
- ۹- توحیدفام، محمد (۱۳۸۱). دولت و دمکراسی، تهران: نشر روزنه.
- ۱۰- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۰). معارف انقلاب: مروری بر دیدگاه‌های حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) درباره انقلاب اسلامی ایران، به کوشش: علیرضا مختارپور قهرودی، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- ۱۱- خرمشاد، محمدباقر (۱۳۹۰). بازتاب‌های انقلاب اسلامی ایران در رویکرد نظری، در: خرمشاد، محمدباقر و همکاران، بازتاب‌های انقلاب اسلامی ایران، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۲- خاتمی، علی (۱۳۸۰). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر: بلاغت.
- ۱۳- دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۷/۱۱/۱۵). جایگاه قدرت نرم در انقلاب اسلامی ایران، قسمت اول. قابل دسترس در: وبگاه خبرگزاری فارس.
- ۱۴- سریع‌القلم، محمود، (۱۳۷۹). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: بازبینی نظری و پارادایم/اتلاف، تهران: انتشارات: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- ۱۵- صارمی، محمد و همکاران (۱۴۰۱). تحولات جدید در روابط اعراب و اسرائیل و تأثیر آن بر امنیت هستی‌شناختی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه گفتمان سیاسی انقلاب اسلامی، شماره ۲، بهار.
- ۱۶- لارتنی، حسن و همکاران (۱۴۰۱). واکاوی رویکرد جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه با بهره‌گیری از نظریه مقاومت، فصلنامه گفتمان سیاسی انقلاب اسلامی، شماره ۱، زمستان.
- ۱۷- متقی، ابراهیم (۱۳۸۹). شاخص‌ها و کارکرد سیاست خارجی تعامل ضد نظام سلطه، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هشتم، شماره ۳۰، پاییز.
- ۱۸- متقی، ابراهیم (۱۳۹۰). بیداری اسلامی و گسترش روح دموکراتیک در خاورمیانه، فصلنامه

دیپلماسی صلح عادلانه، شماره ۴، بهار.

۱۹- متقی، ابراهیم؛ رشاد، افسانه (۱۳۹۰). زبان سیاسی مقاومت نرم در گسترش بیداری اسلامی در خاورمیانه، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال نهم، شماره ۳۳، تابستان.

۲۰- متقی، ابراهیم؛ پوستینچی، زهره (۱۳۹۰). زبان سیاسی مقاومت اسلامی در سیاست بین‌الملل، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، شماره ۱، پاییز.

۲۱- محمدی، منوچهر (۱۳۸۶). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: اصول و مسائل، تهران: نشر دادگستر.

۲۲- محمدی، منوچهر (۱۳۸۷). بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۲۳- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۹). صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

۲۴- میریوسفی، علیرضا (۱۳۹۴/۷/۲۵). تبیین نفی سلطه‌پذیری و سلطه‌جویی در پسابرجام، قابل دسترس در: وبگاه خبرگزاری ایرنا.

۲۵- محمدی، علیرضا (۱۳۸۴). مفهوم مردم سالاری دینی، مجله پرسمان، شماره: ۳۶.

۲۶- نای، جوزف (۸۹/۱۱/۱۱). احمدی‌نژاد قدرت نرم ایران را در جهان اسلام گسترش داده است، قابل دسترسی در: وبگاه خبرگزاری فارس.

۲۷- رضا رحمتی (۱۴۰۴/۲/۱۴) نگاهی به همه بدعهدی‌های آمریکا در مذاکرات هسته‌ای، قابل دسترس در: وبگاه خبرگزاری تسنیم.

۲۸- Rubin, Lawrence (۲۰۱۰). *A typology of soft power in middle east*

*politics*. available at: [www.dsg.fohmics.net/portals/.../DI\\_WP۰۵\\_Final](http://www.dsg.fohmics.net/portals/.../DI_WP۰۵_Final).

۲۹- Stanley, willis (۲۰۰۶). *the strategic culture of the Islamic republic of iran*. available at: [www.fas.org/irp/agency/dod/dtra/iran.pdf](http://www.fas.org/irp/agency/dod/dtra/iran.pdf).

۳۰- Winter, Ofir. (۲۰۲۰). *Existential Threat Scenarios to the State of Israel*. TelAviv: Institute for National Security Studies.